

سخنگوی دولت در آخرین یادداشت خود مطرح کرد:

تلاش روشنگری بود؛ نه توجیه اقدامات دولت

سخنگوی دولت گفت: در دوران سخنگویی دولت باید توصیف درست و دقیقی از آنچه که رخ داده بود می‌کردم، تلاش من در این دوران بر این مبنا استوار بود که روشنگر باشم و نه توجیه‌گر.

به گزارش سایت خبری پرسون، ربیعی ربیعی سخنگوی دولت در یادداشتی با عنوان «سخن آخر» نوشت: «این آخرین یادداشتی است که در مسئولیت دستیار ارتباطات اجتماعی رئیس‌جمهوری و سخنگوی دولت در روزنامه «ایران» می‌نویسم. طی ۲۶ ماه مسئولیت، به طور هفتگی و منظم یادداشت‌های «دولت‌نامه» نوشته شد که به زودی طبق وعده قبلی، مجموعه آن‌ها در قالب کتابی از سوی مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران منتشر خواهد شد.

در اولین یادداشت در مقام سخنگویی دولت در ۱۸ خرداد ۱۳۹۸ نوشتم: «ملت خیلی حرف دارد که می‌تواند از معبر سخنگو به رئیس‌جمهوری بگوید و رئیس‌جمهوری نیز فقط از طریق شنیدن سخن ملت می‌تواند نظم گفتار خود را با ضرباهنگ ملی آن تنظیم کند.» در دوره سخنگویی غافل نشدم از این امر؛ نشست‌وبرخاست من فقط با وزرا و دولتمردان نبود؛ هم پای درد و دل آسیب دیدگان اجتماعی و معلولان و بیماران نشستم، هم با فعالان سمن‌های خیریه و اجتماعی مراوده داشتم. هم در شبکه‌های اجتماعی موضع گرفتم هم نظر مخاطبین را به اهالی دولت رساندم.

به جرأت می‌توانم اقرار کنم که دوران تصدی سخنگویی دولت دوازدهم، به رغم ظاهر راحت‌نمای آن یکی از دشوارترین دوران کاری من بوده است.

انفجار انتظارات عمومی از دولت که البته شایسته ملت ایران است و همزمان شدن پاسخ به این مطالبات برحق با تحریم‌های زورگویانه و بی‌رحمانه ایالات متحده آمریکا از یک سو و هجوم همه‌گیری کرونا از سوی دیگر، هجوم بی‌نظیر رسانه‌ای خارج و داخل کشور به یک دولت و گسترش ناامیدی مردم، در مجموع اعتماد عمومی به کارآیی دولت را به چالش کشید.

حل بسیاری از بحران‌ها و چالش‌ها وقتی با تعصب‌های سیاسی و جناحی در هم آمیخت، این مسیر پر سنگلاخ را برای کارگزاران دولت ناهموارتر می‌کرد و من به عنوان سخنگوی دولت در برابر همه کاستی‌ها و گاه سوءمدیریت‌ها و مهمتر از همه عوامل ناگفته در پس آن منافع کوتاه‌نظرانه که مانعی برای تحقق مطالبات مردم بودند، باید پاسخگو می‌بودم.

این تجربه دشوار که البته ترکیبی از روزها و خاطرات مطبوع و نامطبوع بود، این درس بزرگ را به همه ما یادآوری کرد که بدون وحدت و اجماع ملی به ویژه حول مسائل بنیادین کشور، نه تنها هیچ دولتی نمی‌تواند به رغم برخورداری از اختیارات قانونی توفیقی در سامان دادن درخور به امور بیابد، بلکه با افزودن بر شکاف‌های داخلی، فرصتی بی‌نظیر را به بدخواهان کشور و ملت ما می‌بخشد که از آن بر دامن زدن به بی‌اعتمادی و ناامیدی از نهاد دولت و در نهایت تعمیق بحران‌ها بهره بگیرد.

با چنین پس‌زمینه‌ای، به عنوان سخنگوی دولت و دستیار ارتباطات اجتماعی رئیس‌جمهور رسالت سنگین‌تری برعهده داشتم و علاوه بر پاسخگویی به سوالات بی‌پایان خبرنگاران دلسوز و کنجکاو، باید بارقه‌های امید را در دل این کوران روشن نگه می‌داشتم.

تلاش من در دوران سخنگویی، بر این مبنا استوار بود که روشنگر باشم و نه توجیه‌گر؛ زیرا رسانه‌های خارج از کشور و مخالفان سیاسی داخلی، به خاطر هجمه غیرمنصفانه رسانه‌ای که علیه دولت جریان داشت، حتی توصیف درست و دقیقی از آنچه که رخ داده بود، نداشتند.

اکنون که به گذشته نگاه می‌کنم عبور دولت از آن طوفان حوادث را واجد درس‌آموزی‌های ارزشمندی یافته‌ام که می‌تواند برای طیف متنوعی از مخاطبان همچنان آموزنده باشد چرا که تصور می‌کنم سال‌های سخنگویی من، با فراز و نشیب‌های کم‌نظیری مواجه شده بود.

زندگی در عصر ارتباطات و آوار اخبار واقعی و جعلی، مدیریت رسانه‌ای به ویژه برای نهادهای دولتی را که بر اساس اصول دموکراتیک باید به طور پیوسته در معرض پرسشگری و روشنگری باشند به امری فراتر از روابط عمومی تبدیل کرده است.

در دهه‌های گذشته اگر دولت‌ها نهادهای رازداری بودند که باید با کنکاش و تحقیق خبرنگاران و پژوهشگران، نوری بر ابعاد تاریک سیاستگذاری عمومی تابیده می‌شد، امروز کمتر رازی است که دولت‌ها به یمن رسانه‌های همه جا حاضر بتوانند برای مدتی طولانی مخفی نگه دارند.

در سوی دیگر، اگر در دهه‌های گذشته این شهروندان بودند که در برابر اقتدار چالش‌ناپذیر لویاتان دولت به سازوکاری برای مراقبت از حقوق شهروندی نیاز داشتند، امروز هرچند آن نیاز مرتفع نشده اما آشکار شده است که دولت‌ها نیز با وجود پیچیدگی هرچه بیشتر حکمرانی و سیل اخبار مبهم جعلی و نارسا از درون و بیرون جوامع، در معرض آسیب‌پذیری اطلاعات قرار گرفته‌اند.

در این شرایط نوظهور، دولت‌ها چاره‌ای جز سازگاری و ارتقای توانایی‌های خود در گسترش ارتباطات جمعی مبتنی بر شفافیت، صداقت و دموکراتیک‌تر کردن فزاینده رویه‌های تصمیم‌گیری و مدیریتی نخواهند داشت.

دولت و جامعه در ۲ سال اخیر ترکیبی از سیل‌های طبیعی و سیاسی را تجربه کردند؛ از هم‌بسته تحریم و کرونا گرفته تا خشکسالی و مشکلات اجتماعی.

هر یک از اتفاقاتی که طی این ۴ سال رخ داد برای زمین زدن یک دولت کفایت می‌کرد؛ از ظهور ترامپ تا سقوط قیمت نفت. اما دولت - ملت پیوند خورده با صندوق‌های رأی، گرچه آسیب بسیاری دید اما نیاز به امید برای پیمودن این شرایط داشت؛ ایجاد امید برای جامعه خسته از تحریم و کرونا کاری دشوار است؛ امیدی که می‌بایست شالوده همبستگی اجتماعی را تقویت، سرمایه اجتماعی را حفظ و اعتماد عمومی را افزایش دهد.

ما سعی کردیم در این دوران با مردم سخن بگوییم؛ سخن گفتن در شرایط پارازیت‌های بلند سیاسی داخلی و خارجی کاری آسان نبود؛ در دوره‌ای که بی حرفی و سخن نگفتن از تحریم، برجام، کرونا و...؛ شرط احتیاط سیاسی بود، سعی شد همواره از آنان سخن بگوییم آن هم وقتی از سوی رسانه‌های بزرگ خارجی و حتی رسانه‌های ملی فراگیر، عملاً و عمداً دچار سانسور و فراموشی می‌شد. در بسیاری موارد هم سکوت کردیم تا مبادا منافع و مصالح ملی، سرمایه اجتماعی و روان عمومی جامعه دچار تزلزل شود.

در این مدت تلاش شد پاسخ‌ها مستند و همراه با نگاه علمی به پدیده‌ها باشد.

همواره رعایت صداقت و راستگویی در بیان پاسخ‌ها به عنوان یک اصل اخلاقی در طول این مدت در نظر بود و نیز رعایت عدالت و انصاف در پاسخگویی و مواجهه با همه خبرنگاران را، بدون در نظر گرفتن گرایش سیاسی رسانه آنان در حد کمال مراعات کردم و بنابر سابقه مطبوعاتی خودم، خوشبختانه رابطه دوستانه‌ای با همه خبرنگاران داشتم به نحوی که در لحظات تلخ و شیرین در کنار آنان حاضر بودم.

حالا که آخرین یادداشت را در دوره مسئولیت‌م می‌نویسم، یک امید و آرزوی بزرگ دارم: دولت آینده با مصائب طبیعی و غیرطبیعی، خارجی و داخلی که ما داشتیم، مواجهه نشود. سکوتش به بی‌حرفی تعبیر نشود؛ در میانه جنگ برای احقاق حقوق ملت به خیانت و ناتوانی متهم نشود؛ گوش‌ها قبل از رسیدن صدای دولت، پر از پیش‌داوری و اتهام نشود. آنچه انجام می‌شود چیز دیگری نشان داده نشود.

یکی از ویژگی‌های غالب نظام‌های جمهوری اینست که دولت برآمده از انتخابات متعلق به همه آحاد ملت است و شکست یا موفقیت آن، شکست یا موفقیت همه جامعه است. این حق جامعه ایران است که به موفقیت‌های بزرگ دست یابد و کشور به سمت رشد و توسعه و زندگی با امنیت اجتماعی و روانی پیش برود.

در پایان امیدوارم با تجربه از سال‌های گذشته و با اجتناب از برخوردهای غیرمنصفانه با دولت، آینده‌ای روشن‌تر برای دولت سیزدهم در راه محقق کردن آرزوها و آرمان‌های ملت در پیش باشد.»